

۱۵. آداب میهمانی رفتن در قرآن

۱. بدون دعوت به جایی نروید. (احزاب: ۵۳)

۲. با اجازه و اذن وارد شوید.

۳. به اهل منزل سلام کنید. (نور: ۲۷)

۴. قبل از وقت به میهمانی نروید و به انتظار غذا

ننشینید. (احزاب: ۵۳)

۵. اگر کسی در منزل نبود وارد نشوید.

۶. اگر صاحب خانه عذر آورد و گفت معذور

هستم، عذر او را بپذیرید. (نور: ۲۸)

۷. هرگاه غذا تناول کردید، فوراً پراکنده شوید و

به بحث و صحبت ننشینید. (احزاب: ۵۳)

۸. به یکدیگر جا داده و احترام بگذارید. (مجادله:

۱۱)

۹. به مقدار متعارف غذا بخورید و اسراف نکنید.

(اعراف: ۳۱)

۱۰. [در میهمانی] نجوی نکرده و گناه و معصیت

نکنید. (مجادله: ۹)

۱۱. در موارد ذیل می توان بدون اجازه از

صاحب خانه غذا تناول کرد: پدران، مادران،

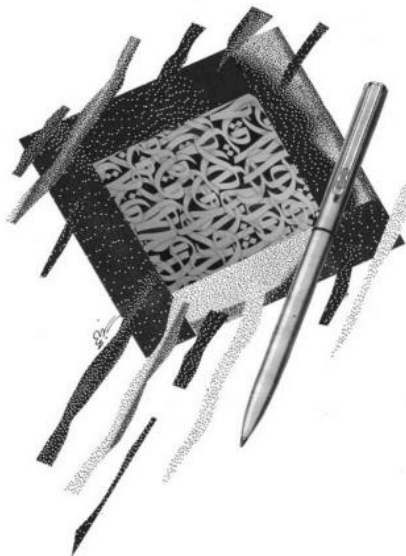
برادران، خواهران، عموها، دایی ها،

خاله ها و دوستان یا خانه ای که کلیدش دست

شماست. (نور: ۶۱)

محمد فولادی

هزار نکته باریکتر زمو اینجااست



محمد فولادی

واژه شناسی

(Masse) و... و بهترین نقاش رمانتیک دولاکروا (Delacraxi)

و مهم ترین موسیقی دان رمانتیک بتهوون (Beethoven) هستند.

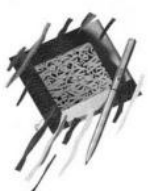
۱۴. دئیسم (Deism)

اعتقاد به این که حقانیت وجود خدا را تنها خود می تواند از طریق شواهد عقلانی و طبیعی کشف کند، بدون این که هیچ گونه وابستگی به دین یا مذهبی داشته باشد.

۱۳. رومانتیسم (Romanticism)

جنبش هنری، ادبی و فلسفی که از اواخر قرن ۱۸ در اروپا شکل گرفت و تا اواسط قرن ۱۹ استمرار داشت. این حرکت، در مقابل نهضت کلاسیک جدید که به دست امثال ژان ژاک روسو ترویج شده بود و بر طبیعت تأکید می کرد به وجود آمد و بر عاطفه و خیال و احساس تأکید می کرد. در واقع، هنرمند برای فرار از عوارض زندگی ماشینی و انقلاب صنعتی برای خود دنیایی خیالی بافته و آن را به تصویر می کشاند.

مهم ترین شاعران رمانتیک همگه (Hugo)، مهسه



۱۶. یهود حریص‌تر از مشرک

ای پیامبر همانا یهود را حریص‌ترین مردم و حتی حریص‌تر از مشرکان بر زندگی دنیاخواهی یافت [تا آنجا که] هر یک از آن‌ها دوست دارد هزار سال عمر کند، با آن‌که اگر این عمر هم به او داده شود، او را از عذاب باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آن‌ها بینا است. (بقره: ۹۶)

۱۷. شادی‌های به‌جا و نابجا در قرآن

الف. شادی‌های به‌جا

۱. شادی مؤمنان به فضل و رحمت الهی، (یونس: ۵۸)

۲. شادی مؤمنان به نصرت الهی؛ (روم: ۴)

۳. شادی شهیدان به فضل الهی (آل عمران: ۱۷۰)

ب. شادی نابجا

۱. شادی به شرکت نکردن در جنگ (نوبه: ۸۱)

۲. شادی منافقان در رسیدن مصیبت

به پیامبر اسلام ﷺ؛ (نوبه: ۵۰)

۳. شادی در رفتن راه باطل، (مؤمنون: ۵۳ / روم: ۳۲)

۴. شادی به امکانات مادی و دنیوی، (رعد: ۲۶ / آل عمران: ۱۸۸)

۵. شادی به امکانات مادی و معصیت خدا، موجب عدم محبوبیت خداست. (نصر: ۷۶)
۶. شادی به هنگام رسیدن معصیت به مسلمان‌ها، نشانه عداوت است. (آل عمران: ۱۲۰)

۱۸. روش‌های تربیتی قرآن

۱. تمثیل: و خدا را باک و ملاحظه از آن نیست که به پشه (کوچک) و چیزی بزرگ‌تر از آن مثال زند... (بقره: ۲۶)

۲. تنبیه معقول به محسوس: ای رسول ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان رفعت و سعادت بر شود. (ابراهم: ۲۶)

۳. مشاهده با دقت و تأمل: چرا مردم در خلقت شتر نمی‌نگرند که چگونه خلق شده است؟ (غاشیه: ۱۷)

۴. گردش علمی و مشاهده عینی: آیا در

زمین سیر نمی‌کنید تا عاقبت کار پیشینیان را ببینید. (روم: ۹)

۵. آزمایش و تجربه: ... مانند کسی که از دهکده‌ای خراب و ویران عبور کرد و گفت: حیرانم که خدا چگونه بار دیگر این مردگان را زنده خواهد کرد. پس او را صدسال میراند، سپس زندگی‌اش برانگیخت و به او فرمود: چند مدت درنگ نمودی. جواب داد: یک روز یا پاره‌ای از یک روز. خداوند فرمود: نه چنین نیست، بلکه صدسال است.

- چون ابراهیم گفت: بار پروردگارا به من نشان ده که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خداوند فرمود: باور نداری؟ گفت: آری باور دارم لکن می‌خواهم تا با مشاهده دلم آرام گیرد. خداوند فرمود: چهار مرغ بگیرد و گوشت آن‌ها را نزد خود به هم آمیز. آنگاه هر قسمتی بر سر کوهی بگذارد سپس آن مرغان بخوان تا به سوی تو شتابان پرواز کنند و آنگاه بدان که همانا خداوند بر همه چیز خلق توانا و به حقایق امور عالم داناست. (بقره: ۲۶۰)

۶. قصه‌گویی: ای رسول ما این است مثل مردمی که آیات خدا را بعد از علم به آن تکذیب

۱۵. تثنسیسم (Theism)

اعتقاد به وجود یک یا چند خدا، خصوصاً اعتقاد به خدای شخصی به عنوان خدای خالق و مدبر عالم.

۱۶. آزاد فکر (Free - thinker)

کسی که اعتباری برای گفتار هیچ موجودی قائل نیست و آزاد از هر عقیده‌ای می‌باشد، خصوصاً در تفکر دینی‌اش به پژوهش و نظریه‌پردازی عقلانی می‌پردازد. (۱)

۱۷. تمثیل

این واژه از ریشه «مثل» است و «مثل» به معنای شبیه و نظیر است. بنابراین، به اقتضای باب تفعیل، تمثیل به معنای تشبیه کردن چیزی به چیزی است. مرحوم دهخدا معتقد است: تمثیل، مثل‌آوری تشبیه کردن چیزی را به چیزی ... از جمله استعارات است، الا این‌که نوعی استعاره‌ای است بر طریق مثال. (۲) برخی نیز چهار معنا برای تمثیل ذکر کرده‌اند: مثال آوردن؛ تشبیه کردن، مانند کردن، صورت چیزی را مصور کردن، داستان یا حدیثی را به صورت مثال بیان کردن و داستان آوردن. (۳)

محسوس‌ترین فایده تمثیل، تسهیل و تسریع در فهم است. مفاهیم معقول گاه چنان ظریف و پیچیده است که تنها از رهگذر تمثیل قابل فهم است. مثلاً «حرکت همه» در فلسفه ملاصدرا

چنان ساده نیست اما وقتی آن را در حرکت دانه سیب تا مرحله به ثمرنشتن ترسیم می‌کنند و در حقیقت، در قالب تمثیل بیان می‌کنند تا قابل فهم می‌شود.

تمثیل در قالب‌های گوناگون بیان می‌شود. و در حقیقت دارای انواع است: ضرب‌المثل، مثل، تمثیل، منبر، تمثیل، دین، اسطوره

کردند. این حکایت و قصه به خلق بگو باشد که به فکر آیند. (اعراف: ۱۷۶)

۷. **مناظره و بحث استدلال:** [ابراهیم] چون شب تاریک نمودار شد و ستاره درخشانی دید، گفت: این پروردگار من است. پس چون آن ستاره غروب کرد و نابود شد. گفت: من چیزی که نابود گردد به خدایی نخواهم گرفت.

۸. **به تفکر واداشتن:** آیا پیش نفوس خود تفکر نکردید. (روم: ۸)

۹. **مقایسه کردن:** پس شما مشرکان از روی جهل و نادانی بت را به خدا مثل و مانند شمارید و به خدای یکتا بگروید. (نحل: ۷۴)

- خداوند مثلی زده بشنوید: دو نفر مرد یکی بنده‌ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز و کلّ بر مولای خود و از هیچ راه چیزی به مالک نرساند و دیگری مردی آزاد و مقتدر که بر خلق به عدالت و احسان فرمان دهد. و خود هم به راه مستقیم باشد آیا این دو نفر یکسان هستند؟ (نحل: ۷۶)

- بگوای پیامبر آیا نابینا و بینا و آیا تاریکی و نور یکسان هستند. (رعد: ۱۶)

- آیا کسی که مؤمن است با کسی که کافر است، یکسان‌اند، نه مساوی نیستند. (سجده: ۱۸)

۱۰. **روش تشویق و هشدار:** خداوند رسولان را فرستاد که نیکان را بشارت دهند و بدان را بترسانند. (بقره: ۲۱۳)

- [آی پیامبر] ما شخص تو را به عالم فرستادیم که شاهد نیک و بد امت باشی و خلق را به لطف و رحمت حق بشارت دهی و از قهر و عذاب او بترسانی (فتح: ۸)

۱۱. **معرفی الگو:** - به راستی که رسول خدا برای شما الگو و اسوه نیکو است. (احزاب: ۲۱)

- به راستی که ابراهیم و کسانی که با او بودند برای شما الگو و اسوه نیکو هستند. (ممتحنه: ۴)

۱۹. **سعادت‌مندان و نگون‌بختان:** رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: چهار چیز از سعادت و خوشبختی و چهار چیز از شقاوت و بدبختی است. آن چهار چیز که از سعادت است: داشتن زن خوب، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب خوب است و آن چهار چیز که از شقاوت است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ، و مرکب بد.



و بیان مجموعه قصص و اعتقادات.

نماد و سمبل

سمبل (Symbol) به معنی نشانه، علامت، مظهر هر نشانه، قراردادن اختصاصی شیء با موجودی که معرف موجودی مجرد و اسم معنی است. برخی می‌گویند، سمبل یا کنایه مبتنی بر رابطه‌ای است که میان یک عنصر طبیعی و یک عامل روحی یا اخلاقی وجود دارد. معنی اصل این واژه، به معنی «علامت ارتباط» بوده است. (۴)

می‌توان نماد را معادل فارسی سمبل دانست. زیرا نماد نیز نقش علامت، نشانه و مظهر بودن است. سمبلیک به معنی نمادگرایی است. سمبلیسم، مکتبی است که بر استفاده از نمادها برای بیان مقاصد تأکید دارد. در واقع، سمبلیسم یا نمادپردازی، عمل و هنر به کار بستن نمادهاست که با قایل شدن معانی نمادی برای اشیاء یا بیان موجودات نامرئی، نامحسوس یا نفسانی، به وسیله نمایش دادن آن‌ها به صورت مرئی و محسوس انجام می‌گیرد. (۵) پرچم، نشانه اعتبار یک دولت و ملت است. چراغ قرمز نیز حکایت از یک واقعیت خارجی دارد

..... پی‌نوشت‌ها

1. American Heritage Dictionary.

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۶۱۰۷

۳. محمد معین، لغت‌نامه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۱۳۹

۴ و ۵. علی‌اصغر حکمت، امثال قرآن، ص ۲

